

مدرنیته، جهانی شدن و فراگیر شدن تروریسم پسامدرن

سیدمحسن آل غفور*

رضا صادقیان**

فهم پدیده تروریسم در عصر جهانی شدن و ارتباط میان آن دو، با توجه به تحولات صورت پذیرفته در فضای فکری مدرنیته میسر است. مدرنیته تنها عامل ظهور گروه‌های تروریستی نیست؛ بلکه یکی از عوامل اصلی بروز تروریسم مدرن و پسامدرن است؛ آن چنان که می‌توان در یک دسته‌بندی کلی از سه گونه تروریست نام برد؛ تروریست‌های سنتی، مدرن و پسامدرن. رویکرد گروه‌های تروریستی سنتی با تروریست‌های مدرن و همچنین پسامدرن آنها متفاوت است.

تروریست‌های مدرن و پسامدرن برآمده از تحولاتی‌اند که با موج فزاینده مدرنیته و به تبع آن جهانی شدن پا به عرصه گذارده‌اند و در تمام تحرکات صورت گرفته این دو می‌توان نشانه‌ها و رگه‌های جدی از ستیز و دشمنی با جهانی شدن را مشاهده کرد؛ در صورتی که تروریست‌های سنتی با طریقه‌ای دیگر اقدام به فعالیت می‌نمودند. اهداف تروریست‌های سنتی محدود بوده و هست؛ در حالی که تروریست‌های مدرن و پسامدرن اهداف خود را فراتر از اشخاص سرشناس و مسئولان دولتی انتخاب می‌کنند، همانند اندیشه مدرنیته که هیچ محدودکننده‌ای را پذیرا نیست. مقاله پیش رو می‌کوشد نشان دهد پدیده تروریسم مدرن و پسامدرن واکنشی به پیامدهای مدرنیته و جهانی شدن است؛ به عبارتی دیگر تروریسم مدرن و پسامدرن محصول دوران مدرن و یکی از اصلی‌ترین بحران‌های مدرنیته و جهانی شدن است.

واژگان کلیدی: مدرنیته، جهانی شدن، تروریسم، تروریست مدرن، تروریسم پسامدرن.

*. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز.

** . دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، گرایش مسائل ایران.



مقدمه

یکی از دشواره‌ها و پیامدهای مدرنیته و جهانی‌شدن در عصر حاضر را می‌توان در پدیده رو به گسترش گروه‌های تروریستی مشاهده کرد. پدیده ترور و تروریسم در طول تاریخ دچار دگرگونی‌های متفاوتی شده است. گذر از تروریسم سنتی به مدرن و از آن به پسامدرن را می‌توان در پیامدهایی جستجو نمود که با ظهور مدرنیته و به تبع آن جهانی‌شدن بیش از دیگر زمان‌ها نمایان شده است.

با توجه به تغییرات و تحولات گروه‌های تروریستی در طول زمان، چنین تغییراتی نشان از آن دارد که این گروه‌ها از نظر جذب اعضا، میزان تحصیلات، تبلیغات و اطلاع‌رسانی، استفاده از تکنولوژی‌های جدید و به‌کارگیری ابزارهای نو در فضای مجازی دچار دگرگونی عمیق شده‌اند.

قدیمی‌ترین جنبش تروریستی فرقه سیکاری بوده که سازمان‌یافته مذهبی مرکب از مردان مراتب پایینی اجتماع یهودیان فلسطین باستان بودند (طیب، ۱۳۸۰، ص ۵۶). ژاکوبن‌ها نیز از اصطلاح تروریست برداشتی مثبت داشتند (همان، ص ۵۵). چنین گروه‌هایی را می‌توان در طیف تروریست‌های سنتی جای داد. با گذر زمان، ساختار این سازمان‌های تروریستی در نتیجه جهانی‌شدن متحول گشته و نحوه عملیات آنها نیز تغییر کرده است (گوهری‌مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۸۵). با توجه به تحولات صورت‌گرفته اخیر در خاورمیانه برخی از پژوهشگران از گونه جدید تروریسم سخن به میان می‌آورند؛ چراکه تعاریف موجود برای تروریسم پسامدرن را ناکافی ارزیابی می‌کنند (هانتر، ۱۳۹۳، ص ۳).

در این نوشتار تلاش می‌شود سه گونه گروه‌های تروریستی را بازشناسی کرد: الف) تروریسم سنتی؛ ب) تروریسم مدرن؛ ج) تروریسم پسامدرن. شکل‌گیری و واکنش‌های هر کدام از سه گونه تروریسم بسیار متفاوت است. تروریست‌های مدرن و پسامدرن وجهه مشترکشان ضدیت با مدرنیته و جهانی‌شدن است؛ در صورتی‌که تروریست‌های سنتی در بستری متفاوت و با شیوه‌های دیگر دست به اقدامات خشونت‌آمیز می‌زدند. روشن‌ترین مشخصه تروریسم سنتی تمرکز و از میان برداشتن شخص یا اشخاصی بوده که از نظر فکری یا عملکرد با آنان

تفاوت داشته‌اند؛ در صورتی که تروریست‌های مدرن و پسامدرن گاه قدرت نظامی گسترده‌ای دارند و توان ایستادگی در مقابل ارتش‌های منظم را دارا می‌باشند. مقاله در پی یافتن پاسخ این سؤال است؛ چه ارتباطی میان مدرنیته و جهانی‌شدن به عنوان دستاورد اصلی آن وجود دارد و از رهگذر این تحولات چگونه می‌توان گروه‌های تروریستی مدرن و پسامدرن را بازشناسی نمود. مفروض اصلی نوشتار وجود ارتباطی پیوسته میان مدرنیته، جهانی‌شدن و شکل‌گیری پدیده تروریسم مدرن و پسامدرن است.

۱. مدرنیته و دشواره‌های آن

ریشه‌های شکل‌گیری و فعالیت‌های رو به گسترش گروه‌های تروریستی مدرن و پسامدرن برآمده از واکنش‌هایی است که به مدرنیته و جهانی‌شدن باز می‌گردد؛ از همین‌رو شناخت پدیده مدرنیته و پیامدهای آن مهم می‌نماید. مدرنیته به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا پیدا شد و به تدریج نفوذی کم و بیش جهانی پیدا کرد (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۴)؛ بنابراین گیدنز سه ویژگی مهم مدرنیته را چنین برمی‌شمارد: الف) دگرگونی پرشتاب که با سرعتی خیره‌کننده تغییراتی بنیادی به همراه خواهد داشت؛ ب) پهنه دگرگونی که بسیار گسترده و فراگیر می‌باشد؛ ج) ماهیت ذاتی نهادهای مدرن که در دوران تاریخی پیشین به چشم نمی‌خورند (همان، ص ۹-۱۰).

مارشال برمن سه موج اصلی مدرنیته را برمی‌شمارد: موج اول آغاز قرن شانزدهم تا پایان قرن هیجدهم. موج دوم با انقلاب دهه ۱۷۹۰ آغاز شد؛ در پی انقلاب کبیر فرانسه به‌ناگهان جمهوری مدرن عظیمی قد علم کرد. موج سوم در قرن بیستم اتفاق افتاد؛ مدرنیسم چنان گسترش یافت که عملاً کل جهان را در بر گرفت و فرهنگ جهانی به پیروزی چشمگیری دست یافت (برمن، ۱۳۸۱، ص ۸۰). برمن در تعریف مدرنیته و مشکلات برآمده از آن می‌نویسد: مدرنیته همه را به درون گرداب فروپاشی و تجدید حیات مستمر می‌افکند، گرداب مبارزه و تناقض و ابهام و عذاب. مدرن بودن یعنی تعلق داشتن به جهانی که در



آن به قول مارکس «هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود» (همان، ص ۹۱).

اگر بخواهیم از بعد فلسفی مدرنیته را تعریف کنیم، بر می‌گردیم به همان مفاهیم نو مانند انسان‌گرایی، نقش فعال و سروری انسان در جهان، استیلای بر طبیعت، ایده ترقی، خرد به عنوان دادگاه شعور بشری، افسون‌زدایی از جهان (بروجردی، ۱۳۸۴، ص ۴). چنین خواسته‌هایی پیامدهایی را به دنبال دارد؛ بپذیریم که مدرنیته به بروکراسی‌شدن زندگی انجامیده، تجاری‌شدن را به وجود آورده و اشکال جدیدی از خشونت و مهندسی اجتماعی را ممکن ساخته است (همان، ص ۵).

بخشی از دشواری‌های مدرنیته که سبب بروز واکنش‌های خشونت‌آمیز و تروریسم می‌شود، شامل تعریفی است که با محوریت غرب بیان می‌گردد؛ غربی که خود را محور اصلی این دگرگونی می‌خواند و فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر را نفی می‌نماید. از نظر هگل که خود فیلسوف مدرنیته است، شرق بخشی از مدرنیته نیست (بهنام و جهاننگلو، ۱۳۸۲، ص ۲). از لوازم بنیادین گفتمان مدرنیته، تلقی ویژه‌ای از جهان است که غرب در کانون آن قرار دارد و شرق، جهان سوم یا جهان در حال توسعه در حاشیه آن واقع شده است (بشیریه، ۱۳۷۶، ص ۱۱). در دوران مدرنیته فرهنگ‌های غیرغربی بدوی خوانده می‌شدند و از قرن نوزدهم فرهنگ‌ها را بر اساس درجه پیچیدگی آنها در طول یک روند تک‌خطی طبقه‌بندی کردند (بهنام و جهاننگلو، ۱۳۸۲، ص ۴۹).

به این ترتیب مدرنیته به همراه خود مشکلات و گرفتاری‌هایی را پدید آورده؛ مدرنیته شهرآشوب است، نظام فعلی را به هم می‌زند و نظم جدیدی می‌خواهد به وجود آورد و مهم‌تر آنکه خصلت تهاجمی دارد (بروجردی، ۱۳۸۴، ص ۹)؛ از همین رو حدود ۹۰ درصد کشمکش‌های داخلی، بحران‌های منطقه‌ای و در کل خشونت‌های بین‌المللی که از زمان جنگ جهانی دوم در دنیا رخ داده‌اند، در جهان سوم واقع شده است (این‌مون، ۱۳۸۸، ص ۱۳). رشد این افراط‌گرایی پیوند مستقیم با مدرنیته دارد و نادیده‌انگاشتن نقش نیروهای سنتی و مذهبی، پروردگار، آسمان، خورشید و پیوندهای سرزمینی به یکباره در شرق و

کشورهای خاورمیانه دستخوش حمله و پرسش‌های دوران مدرنیته قرار گرفتند؛ به این ترتیب انسان‌هایی که تهاجم و پرسش از باورهای خویش را بر نمی‌تافتند رو در روی این کنش قرار گرفتند و با توسل به شیوه‌های خشونت‌آمیز و ترور واکنش نشان دادند.

مدرنیته سبب می‌شود فرد به صورت بخشی از یک کل اجتماعی بزرگ‌تر، بلکه همچون مالک خویش در نظر گرفته شود. فرد چون مالک شخص خویش و توانایی‌های خویش است، آزاد است (لنسا، ۱۳۸۵، ص ۸۷). این نگاه آن‌چنان که در پی خواهد آمد، برای انسان غربی که در کانون این تغییرات حضور دارد، قابل درک می‌باشد؛ اما چنین مفاهیمی در دنیای دیگر، به دلیل قوام‌نیافتن این عبارات در درون کشمکش‌های فکری، دگرگونی‌های خشونت‌آمیز را در پی خواهد آورد.

تغییرات مدرن در اروپا بسیار تدریجی، همگن و مرحله به مرحله بوده است. در جهان اسلام این مواجهه بسیار ناگهانی، بی‌نظم و غیرمتوازن بوده است (هوشنگی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۱). به ترتیب، مدرنیته با ایجاد تحول در ساختارهای اقتصادی جوامع سنتی موجب شد زندگی یکپارچه و منسجم سنتی به حوزه‌های متعدد تقسیم شود که لزوماً ارتباطی با ارزش‌های دینی نداشت (همان، ص ۱۸۶). وقوع چنین ازهم‌گسیختگی ناگهانی و به‌وجودآوردن نابسامانی‌های پی در پی در جوامع شرقی و نادیده‌گرفتن تعالیم دینی یکی از علل این واکنش تهاجمی و بروز تروریسم است. گسترش تروریسم بیشتر در کشورهایی شکل گرفته که با امواج مدرنیته به شکل سهمگین‌تری روبه‌رو بوده‌اند.

مدرنیته، سرشار از تنش، تعارض و کشمکش‌های متخالف است. تضاد با سنت، ذات مدرنیته است؛ چراکه زندگی در جهان مدرن بیشتر شبیه سوارشدن به یک گردونه بی‌مه‌ار است (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۴۴). دوران بی‌مه‌اری که تضادها را افزایش داده، باعث می‌شود فرهنگ سنتی که در دل خود احترام به گذشته و نمادهای باارزش آن را ارج می‌نهد، به یکباره در برابر این موج ایستادگی از خود نشان دهد و به تروریسم پناه برد.

لیوتار و فوکو بروز این خشونت سیاره‌ای را به عنوان بیماری و نابسامانی‌های موجود در مدرنیسم تلقی نمودند و معتقدند گفتمان مدرن ظرفیت پاسخگویی به این معضلات را ندارد. این اندیشمندان معتقدند مدرنیته خود شرایط بروز این گونه از خشونت را فراهم نموده است (یزدانی، ۱۳۸۶، ص ۸۵۹).

بخشی از این تضاد با دنیای مدرن و دگرگونی‌های فراگیر آن را می‌توان در علل شکست‌ها و ناکامی‌های کشورهای در حال توسعه در خاورمیانه مشاهده کرد. بعد از روی کار آمدن دولت‌های ملی، سرانجام سرزمین‌های اسلامی از وجود متجاوزان خارجی پاک و این اندیشه غالب شد که بار دیگر نظم اسلامی قدیم در جامعه مسلمانان احیا شود؛ ولی چنین اتفاقی روی نداد (احمد، ۱۳۸۴، ص ۲۴۹)؛ از همین رو گروه‌های انقلابی رادیکال که خواهان تغییرات و تحول اساسی و فوری در جامعه اسلامی بودند، احساس کردند با مواجهه جدی و خشونت‌آمیز است که می‌توانند یک نظم اسلامی واقعی را برقرار سازند (همان، ص ۲۷۵)؛ چراکه باور دارند اسلام تنها دینی است که در دنیا بدون تسلیم شدن به سکولاریسم می‌تواند همان نظم قدیم را بر اساس آموزه‌های دینی برقرار سازد (گرهلم، ۱۳۸۴، ص ۳۰۵).

تفاوت‌های عمیق باورهای دینی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی بسیاری از ساکنان کشورهای در حال توسعه در منطقه خاورمیانه، آسیای میانه، آفریقا و بخش مسلمان‌نشین کشور فیلیپین را به این باور رسانده که نمی‌توان با نظم مدرنیته نابسامانی‌های کشورهای عربی و مسلمان را بهبود بخشید؛ از همین رو و با توجه به فکر مهندسی‌شده ساده‌ترین راه را انتخاب کرده‌اند که همان توسل جستن به ترور و گروه‌های تروریستی است.

مارکس درباره مدرنیته پیشگویی کرده بود هر آنچه مقدس است دنیوی می‌شود و دست آخر آدمیان ناچار می‌شوند با صبر و عقل با وضعیت واقعی زندگی و روابطشان با هم‌نوعان خویش روبه‌رو گردند (برمن، ۱۳۸۱، ص ۴۶). ظهور جنبش‌های هویت‌خواه در اکثر نقاط جهان نشان داد نه تنها آن گفته در عمل به وقوع نپیوست، بلکه دنیوی شدن که یکی از مؤلفه‌های مدرنیته بود، سبب شد

مشکلی دیگر همچون تروریسم فراگیر در جهان مدرن بروز پیدا کند و نه تنها «دنیوی» شدن را برنتابد که «تقدس» فراموش شده و نظم قدیم را طلب نماید.

۲. پیامدهای جهانی شدن

جهانی شدن را می توان به گونه ها و از دیدگاه های بسیار متفاوت تعریف کرد؛ جهانی شدن افزایش روابط افراد، گروه های اجتماعی، نهادها، دولت های ملی در جهان است، به اندازه ای که میان آنها وابستگی متقابل ایجاد کند و تراکم این روابط به حدی باشد که امکان تفکیک اجزا از یکدیگر وجود نداشته باشد و در نتیجه نوعی یکپارچگی ایجاد شود (فکوهی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲).

جهانی شدن را می توان به مثابه افزایش و تقویت روابط اجتماعی در گستره جهان تعریف کرد که مناطق جغرافیایی دور از هم را به گونه ای به یکدیگر ارتباط می دهد که رویدادهای واقع در یک نقطه بر اتفاقات منطقه دیگر که در فاصله بسیار دور واقع شده اثر می گذارد و برعکس (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

تعاریف دیگری نیز از همین مفهوم به دست داده شده است؛ جان بیلیس و دیوید اسمیت از جهانی شدن پنج تعریف به دست می دهند که هر کدام از تعاریف بخش هایی از فرایند جهانی شدن را پوشش می دهد. اغلب از واژه جهانی شدن برای ایفای معنای بین المللی شدن (internationalization) استفاده می شود؛ درحالی که این کلمه به معنای گسترش تعاملات فرامرزی و وابستگی متقابل کشورهاست (اسمیت، ۱۳۸۳، ص ۴۷).

جهانی شدن هیچ حریم و حرمتی را پاس نمی دارد، هیچ مرزی را نمی شناسد، هیچ خط قرمزی را محترم نمی شمارد، هیچ نظام معنایی و هنجاری را از گزند خود مصون نمی دارد، اصالت هیچ نظام معرفت شناختی را مورد تأیید و تأکید قرار نمی دهد، هیچ هاله قدسی مانع نفوذ آن نمی شود و ساحت هیچ ایدئولوژی را بی نصیب از آلودگی خود نمی گذارد (تاجیک، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳). جهانی شدن به عنوان بنیادی ترین پیامد مدرنیته نتیجه گسترش و اشاعه نهادهای غربی و ارزش های آن به سراسر جهان است (همان، ص ۱۰۴).

جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن سیاست، جهانی شدن حقوق بشر، جهانی شدن جنبش‌های اجتماعی و هویت طلب، جهانی شدن سیاست خارجی، جهانی شدن سامان نظامی جهان، جهانی شدن فرهنگ‌ها، تقسیم کار بین‌المللی و جهانی شدن رسانه‌های مجازی شاخص‌های جهانی شدن‌اند. برخی از نظریه‌پردازان، وجهه غالب جهانی شدن را اقتصادی می‌دانند که برجسته‌ترین موارد آن را جهانی شدن بازارهای مالی، جهانی شدن شرکت‌ها در درون یک بازار رقابتی بین‌المللی، جهانی شدن انتشار تکنولوژی همراه با فرایند تحقیق و توسعه در سطح جهانی می‌دانند (دهقانی، ۱۳۸۶، ص ۶۲). جوهره اصلی تمدن و فرهنگ عصر جهانی شدن ترکیبی از تکنولوژی، نظام‌های ارتباط جهانی، همراه با تولید، انتقال و پردازش اطلاعات است (همان، ص ۶۹).

شماری از پژوهشگران معتقدند کل فرایندهای جهانی تحت تأثیر رشد حیرت‌انگیز و جهان‌شمولی فناوری اطلاعات و ارتباطات است. آنچه در حوزه رشد اقتصاد و تجارت دیده می‌شود با تحولاتی که در حوزه سیاست و امنیت اتفاق افتاده است، بر اثر رشد فزاینده بهره‌گیری از اینترنت و ماهواره و ایجاد فضای مجازی جدیدی است که انسان‌ها را از طریق رایانه شخصی و یک خط تلفن با تمامی دنیا مرتبط می‌کند و میلیون‌ها نشانه، اطلاعات، فرصت و مخاطره جدید در اختیار آنان قرار می‌دهد (سلیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

کسانی که به تاریخ جهانی شدن اشاره می‌کنند به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف) گروهی که جهانی شدن را با تاریخ سرمایه‌داری قرین می‌دانند و شروع آن را به دوره رنسانس باز می‌گردانند. ب) کسانی که ارتباطات گسترده را عامل اصلی جهانی شدن قلمداد می‌کنند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴).

یکی از پیامدهای جهانی شدن، گسترش گروه‌های تروریستی است که علیه جهانی شدن شکل گرفته است. جهانی شدن در هر حالتی این تناقض‌ها را به همراه دارد، همزمان ضمن هماهنگ کردن، تفرقه نیز ایجاد می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۲۰۹).

فوکو، دریدا و گیدنز مدرنیته را یک پروژه غربی می‌دانند و به تبع آن جهانی شدن را غربی می‌شمارند. به این ترتیب فکر و اندیشه‌های برآمده از

جهانی‌شدن تلاش دارد این تغییرات و دگرگونی‌ها را به جوامع دیگر و کشورهای در حال توسعه صادر کند و بر اساس همان میانی شکل‌گرفته در غرب خواسته‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را در محیطی دیگر دنبال نمایند. به‌دست‌دادن تصویری از جهانی‌شدن به مثابه ایدئولوژی باعث می‌شود کشورهای مسلمان به این تغییرات روی خوش نشان ندهند و با شیوه‌های خشونت‌آمیز با آن مقابله کنند. در چنین فضایی است که گفتمان اسلام سلفی درصدد تعریف نظم جدید، مبارزه با نظم مسلط غربی و کنارزدن سلطه قدرت‌های غربی در قبال قدرت اسلام است (ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۲).

جهانی‌شدن به دلیل تقلیل به «تغییرات فزاینده بنیادین» و نه «تکامل تدریجی واحدهای سیاسی»، جنبه تهدیدآمیز به خودگرفته و طیف وسیعی از کشورهای مستقل، آن را یک «مبارزه‌خواهی جدی» و نه یک «فرصت تازه» ارزیابی می‌نمایند (هورل، ۱۳۸۰، ص ۳۱).

بازگ کردن تعریفی خلاصه و شبه ایدئولوژی از جهانی‌شدن و ابزارگونه‌دیدن چنین پدیده تاریخی همانند نظریه پایان تاریخ بخش دیگری از تضادی است که در برابر دیگر کشورها و فرهنگ‌های بومی صورت می‌پذیرد. نظریه پایان تاریخ بر سه اصل استوار است: الف) اصول آزادی و برابری را اکنون همگان پذیرفته‌اند یا به زودی خواهند پذیرفت؛ ب) دموکراسی لیبرال تجسم اصول آزادی و برابری است؛ ج) لیبرال دموکراسی، هرگز فرادستی در آینده نخواهد داشت (ایچ.لسناف، ۱۳۸۵، ص ۲۷۲). فراهم‌آوردن تعاریفی که غیریت و دگربودگی در جهان مرکز و پیرامون را به حداکثر رسانده، زمینه‌های بروز واکنش‌های برآمده از عصبیت، خشونت، ترور و تروریسم را می‌گشاید. فراهم‌ساختن تعاریفی ایدئولوژی‌محور از مفاهیم برآمده از تاریخ غرب و نادیده‌انگاری تغییرات و تحولات در کشورهای خاورمیانه یا آسیای شرقی سبب می‌شود ساکنان این سرزمین‌ها نه‌تنها پذیرای دگرگونی‌ها نباشند که با تلاش سازمان‌یافته و گاه دست‌یازیدن به خشونت و ترور در مقابل این سخنان و عملکردها ایستادگی نشان دهند.

جهانی‌شدن همزمان فضایی برای به‌چالش کشیدن فرهنگ‌های بومی - محلی و مقاومت این فرهنگ‌ها در برابر آن هجوم را فراهم می‌آورد. شولت عقیده دارد

فرهنگ‌های گوناگون در برابر تهاجم برنامه‌های تلویزیونی، رسانه‌های فضای مجازی، گردشگران جهانی، زبان انگلیسی جهانی شده، عقاید پیرامون حقوق بشر، مصرف‌گرایی جهانی و دیگر مداخلات فرامرزی تسلیم شده‌اند (شولت، ۱۳۸۲، ص ۹۱۲). درحالی‌که کاستلز این فرهنگ‌ها را تسلیم‌ناپذیر و در قالب «هویت مقاومت» معرفی می‌کند. وی از سه گونه متفاوت هویت نام می‌برد:

۱. هویت مشروعیت‌بخش مانند نهادهای جامعه مدنی که تلاش دارند بخشی از مسئولیت‌های غیردولتی را برعهده بگیرند؛ ۲. هویت مقاومت که از طرف منطبق سلطه بی‌ارزش دانسته شده‌اند و تلاش می‌کنند به شیوه‌های جدید خود را معرفی نمایند؛ ۳. هویت برنامه‌دار که برنامه‌دارند و در پی تغییر شکل کل ساختار اجتماعی می‌باشند (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۴-۲۵).

آنچه بیش از همه هویت‌ها به شرایط خاورمیانه و فراگیرشدن تروریسم نزدیک‌تر است، هویت مقاومت می‌باشد؛ هویتی که تلاش دارد به دلیل نادیده گرفتن فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای دینی‌اش در عصر جهانی‌شدن با شیوه‌هایی در کمترین زمان، دنیای غرب را با چالش‌های بسیاری رویارو سازد و بدین طریق از هویت خویش دفاع نماید.

فعالیت گروه‌های تروریستی در خاورمیانه فراتر از هر عاملی ناشی از برداشت آنان از جهانی‌شدن است. این گروه‌ها تعاریف و عملکرد کشورهای بزرگ درباره جهانی‌سازی را مد نظر قرار می‌دهند و از عامل بیگانه فرهنگی سخن می‌گویند. وقتی مردم یک فرهنگ، فرهنگ مردم دیگر را نه تنها بیگانه که عامل تهدیدکننده می‌دانند، امکان وقوع برخورد و منازعه پدید می‌آید. پس از جنگ سرد، آتش منازعات فرهنگی که مدت‌ها زیر خاکستر مدفون شده بود، زبانه کشید و تنش گسترده‌تری نیز بین نیروهای جهانی و محلی به وجود آمد (مردن، ۱۳۸۳، ص ۱۰۲۴). بخشی از این درگیری مسلحانه را می‌توان میان جبهه آزادی‌بخش مورو و دولت فیلیپین مشاهده کرد؛ سازمانی که با توان نظامی بالا و خواسته اسلامی‌سازی ساختار دولتی تلاش می‌کند باورهای دینی را در بخشی از سرزمین در اختیار گرفته اجرا کند.

به گفته فوکویاما، در واقع، جهان اسلام در برابر عقاید لیبرال در بلندمدت آسیب پذیرتر است و خلاف آن کمتر صدق می‌کند (اسمیت، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳۳). بیان چنین نظریاتی که در بیشتر مباحثات پس از جنگ سرد نمایان شد، بخشی از تعارض فرهنگی فعال در جهان را دین اسلام معرفی می‌کردند. به نظر می‌رسید اسلام منبع نزاع در داخل کشورها و در سطح بین‌المللی بود (همان، ص ۱۰۳۹). نشانه‌های این درگیری‌ها را می‌توان با فروپاشی شوروی سابق در سطح بین‌المللی دنبال نمود؛ درگیری‌ها در بالکان، آفریقا و خاورمیانه، اندونزی و فلیپین بخشی از همین برداشت تحلیل‌گران غربی است که نزاع میان گروه‌های اسلام‌گرا و تحولات جدید را نشان می‌دهد. نیروهای تروریست در عرصه جهانی از همین برداشت که به تنش میان فرهنگ جهان اسلام و دنیای غرب بازمی‌گشت، دل‌بستگی نشان دادند و بخشی از کوشش‌های خود را با مددجستن از تروریسم و ابزارهای نو ارتباطی دنبال نمودند.

در این وضعیت، خطری اساسی و جدید کشورهای صنعتی را تهدید می‌کند. خطر تروریسم که باید آن را پدیده‌ای کاملاً مدرن دانست، تنها در شرایط مدرنیته به بالاترین حد از کارایی خود دست می‌یابد و با سوءاستفاده از موقعیت آزادی شهروندان است که می‌تواند آن را تا حد نابودی پیش برد و این همان تناقض یا باطل‌نمایی است که کشورهای صنعتی مدت‌هاست با خطر آن روبه‌رو هستند؛ اما تنها با وقایعی چون یازدهم سپتامبر است که آگاهی نسبتاً محسوسی بدان می‌یابند (فکوهی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۰).

۳. گونه‌های متفاوت تروریسم

آن‌چنان‌که از تعاریف پر شمار ترور و تروریسم نمایان می‌گردد، تعریف دقیق و روشنی درباره این پدیده وجود ندارد. برخی از نویسندگان با آگاهی از محدودیت‌های فرا روی مفهوم‌سازی علمی از تروریسم به «انتزاع عناصر مشترک» در اعمال تروریستی علاقه‌مند شده‌اند. از نظر الکسی اشمیت عناصر مشترک و اصلی عبارت است از: اعمال خشونت و زور؛ تعقیب اهداف سیاسی؛

ایجاد وحشت و ترس؛ تهدید و واکنش‌های پیش‌دستانه؛ آماج خشونت و سازمان‌یافتگی خشونت (سلیمانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳).

لاکوئر معتقد است تعریف جامع از تروریسم وجود ندارد و در آینده نزدیک هم به دست نخواهد آمد؛ ولی در شرایط فعلی، حداقل ۲۱۲ تعریف از تروریسم وجود دارد (پورسعید، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸)؛ وی نیز همان معیارهای تعریف را بر اساس اعمال انجام‌شده مشخص می‌کند و تعریف خویش را با دامنه اقدامات و فعالیت‌های تروریستی روشن می‌نماید. تروریسم شامل فعالیت‌هایی چون آدم‌کشی، بمب‌گذاری، کشتار بی‌هدف، هواپیماربایی و آدم‌ربایی می‌شود (همان). در چنین تعاریفی از پدیده ترور، عمل یا نتیجه حرکت تروریستی مهم است و بهایی چندان به انگیزه‌هایی که ترور و خشونت از آن سرچشمه می‌گیرد داده نمی‌شود یا آنکه کمتر به شمار می‌آید.

در گزارش سیزدهم کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۵ در قسمت دو ماده ۲۴، تروریسم بین‌المللی این‌گونه تعریف شده است: این اعمال تروریسم بین‌المللی خواهند بود؛ تصدی، سازمان‌دهی، دست‌ور دادن، تسهیل کردن، تأمین مالی، تشویق یا اداره اعمال خشونت‌آمیز بر ضد دولتی دیگر که متوجه اشخاص یا اموال باشد و از چنین طبیعی برخوردار باشد که وضعیت ترور در افکار، تشکله‌ها، گروه‌ها یا افکار عمومی ایجاد کند تا دولت یادشده را به اعطای منافع یا اعمال روش خاصی وا دارد (هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۲۹). از منظری دیگر عملیات تروریستی را با تعقل جمعی تعریف می‌نمایند. تروریسم در قالب یک تعقل جمعی، تحقق عینی می‌یابد (رایش، ۱۳۸۱، ص ۱۱).

سیجمن و مگرویک نیز از نبود یا کمبود تئوری‌ها و مدل‌های تحلیلی درباره تروریسم می‌گویند. بر همین اساس و با توجه به کمبود منابع تعریف فعالیت‌های تروریستی تحقیق خود را بر اساس جامعه آماری تروریست‌های بازداشتی القاعده بنا می‌نهند (Segeman and Magouirk, 2007, p.4).

جی‌بدی در تعریف تروریسم بیان می‌دارد: تروریسم شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که با گروه‌هایی دلایل سلیقه‌ورزی، جنایی یا سیاسی به کار می‌گیرند (جی‌بدی، ۱۳۷۸، ص ۲۴۹). بنابراین عناصر

تروریسم بین‌المللی را تکرار، انگیزه، قصد، عاملان، نقش دولت‌ها، عاملان غیردولتی و میزان تأثیرگذاری مشخص می‌نماید (همان، ص ۲۵۲). تروریسم همچون رئالیسم یا ایده‌آلیسم، مکتب نظری و چون فاشیسم و کمونیسم، مرام عقیدتی نیست؛ بلکه نوعی استراتژی یا ابزار تاکتیکی برای حمله و تهدید به شما می‌رود (پورسعید، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶).

گزارش‌های سالانه پلیس اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴، تعریفی مشخص از ترور و تروریست‌ها به دست نمی‌دهد؛ چراکه تعاریف موجود را ناکافی ارزیابی می‌کند که پاسخگوی بخشی از تحرکات تروریستی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نمی‌شود. بنابراین دسته‌بندی صورت‌گرفته میان تحرکات گروه‌های تروریستی را براساس انگیزه، ایدئولوژی و اهداف مشخص می‌نماید (EUROPOL, 2013 and 2014, p.12). به‌کارگیری چنین روش‌شناسی با توجه با ایرادهایی که به آن وارد است، یکی از روش‌هایی است که می‌توان به میزانی از تعاریف موجود دوری جست و شیوه عمل را مبنای تحقیق قرار داد؛ چراکه تلاش برای تعریف تروریسم بر مبنای قربانیان آن، فاقد مفهوم و ناگزیر محکوم به شکست است (جی‌بدی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۵۹).

جالاتا نیز سه شاخص برای فعالیت‌های تروریستی بر می‌شمارد: الف) فعالیت‌های جنایتکارانه‌ای از قبیل آدم‌ربایی، قاچاق انسان، برده‌داری جنسی و فعالیت در گروه‌های قاچاق مواد مخدر که در بخشی از کشورهای آمریکای لاتین انجام می‌گیرد؛ ب) انگیزه‌های اعمال که نشانه‌هایی از پیش‌زمینه‌های فعالیت‌ها را پوشش می‌دهد؛ ج) حالت یا نوع عمل تروریستی که براساس آن عمل تروریستی تعریف می‌شود (jalata, 2008, p.10-11).

۳-۱. تروریسم سنتی

رویکرد تروریست‌های سنتی در مقام مقایسه با تروریست‌های مدرن بسیار متفاوت است. اولین باری که این پدیده در روشنایی روز دیده شد، همچون بسیاری دیگر از نمادهای دوران مدرن، در انقلاب فرانسه بود. واژه تروریسته که در برگردانش به زبان انگلیسی تروریست خوانده می‌شود، از دوران تسلط ژاکوبین‌ها به ارث رسیده و به احتمال زیاد، «ادموند برک» اولین کسی بوده که

آن را برای توصیف شوالیه‌های انگلیسی که مخالف انقلاب فرانسه بودند، به کار برد (ایگیلتون، ۱۳۹۰، ص ۹).

در روسیه قرن نوزدهم، شکست حرکت‌های مسالمت‌آمیز و بدون خشونت زمینه ظهور تروریسم را فراهم آورد. در ایرلند نیز شکست پارنل در هواداری از حکومت قانون سبب بروز تروریسم گردید (رایش، ۱۳۸۱، ص ۱۶). بنابراین در تروریسم سنتی تروریست‌ها خواهان آن بودند که تعداد مشاهده‌کنندگان حادثه تروریستی افزایش یابد (گوهری‌مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹).

نکته در خور توجه در تروریسم سنتی عامل تعصب مذهبی هم می‌باشد؛ در واقع تروریسم سنتی برای توجیه اقدامات خود از پوشش دینی و عناصر متعصبی برخوردار بود. این ویژگی در بین تروریست‌های روسی قبل از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ دیده می‌شود (والتر، ۱۳۹۲، ص ۴).

تروریسم دولتی، همزمان شامل تروریسم سیاسی و سنتی می‌شود (واعظی، ۱۳۹۰، ص ۱۲). در دسته‌بندی صورت پذیرفته، تروریسم دولتی با آنکه به تکرار قابل مشاهده و اثبات‌ناپذیر به نظر می‌رسد، در دسته تروریست‌های سنتی قرار می‌گیرد. دولت‌ها تلاش می‌کنند هیچ‌گاه ردی از تحرکات تروریستی در کشورها و سرزمین‌های دیگر بر جای نگذارند؛ چراکه با این عمل و تأیید آن سبب می‌شوند دیگر کشورها برای پیشبرد مقاصد خود از چنین روش‌هایی بهره‌برداری نمایند.

با این حال در سده بیستم تروریسم از سوی رژیم‌های توتالیتری چون رژیم آلمان نازی تحت رهبری هیتلر و رژیم اتحاد شوروی در دوران استالین عملاً به عنوان یک خط مشی دولتی در پیش گرفته شد (طیب، ۱۳۸۰، ص ۶۴).

با توجه به تقسیم‌بندی‌ای که اتحادیه اروپا از تروریست‌ها انجام داده، گروه‌های چپ‌گرایان که کمونیست‌های سابق و طرفداران تفکرات لنینیسم و استالینیسم‌اند، راست‌گرایان افراطی که در پی عوض کردن سیستم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورشان می‌باشند، تجزیه‌طلبان که بیشتر در ایرلند و اسپانیا فعال هستند و گروه‌های نژادپرست که عمده فعالیت آنان در کشورهای هم‌چون دانمارک، فرانسه و نروژ می‌باشد، به دلیل عملکردشان که استفاده از

شیوه‌های «هدف محدود» و به‌کارگیری «ایجاد ترس» و «ارعاب» است، در دسته تروریست‌های سنتی قرار می‌گیرند (EUROPOL, 2014, p.55). از نظر گزارش‌های سالیانه پلیس اتحادیه اروپا تمام این گروه‌های فعال غیر از تحرکات پیکارجویان اسلام‌گرا در حلقه تروریست‌های سنتی قرار می‌گیرند.

گروه‌های تروریستی سنتی در جهان امروز از ابزارهای مدرن همچون موسیقی‌های اعتراضی، طراحی پوسترهایی با محتوای نژادپرستانه و ضد مهاجران، تبلیغات در فضای مجازی و دعوت از مردم جهت برهم زدن نظم فعلی کشورها استفاده می‌کنند؛ ولی به‌کارگیری این ابزارها دلیل نمی‌شود که این گروه‌ها را در دسته تروریست‌های مدرن قرار دهیم. از منظر محتوای فکری و رفتاری، تروریست‌های سنتی نازل‌ترین اعتراض به پیامدهای مدرنیته و جهانی‌شدن را بیان می‌دارند.

۲-۳. تروریسم مدرن

تروریسم مدرن در یک چرخه تاریخی و با توجه به رویدادهای شکل‌گرفته در دنیای مدرن صورت‌گرفته است. نکته مهم اینجاست که تروریسم مدرن واکنشی به جهانی‌شدن است (M.lutz, 2008, p.2). راپاپوت با توجه به تحولات صورت‌گرفته در تاریخ گروه‌های تروریستی چهار موج تروریسم مدرن را از ابتدای شکل‌گیری آن برمی‌شمارد: ۱. ابتدای قرن ۱۹ و توسط بازیگران غیردولتی که اکثراً تفکرات ضد سلطنتی داشتند؛ ۲. موج دوم متعاقب جریان‌ات ضد استعماری و امپراطوری در دنیا بود؛ ۳. موج سوم تروریسم در شرایط رقابت دوران جنگ سرد رخ داد؛ ۴. موج چهارم تروریسم از ۱۹۷۹ آغاز شد و در حال شدت‌گرفتن است (گوهری‌مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴). دسته‌بندی صورت‌گرفته توسط راپاپورت حمله شوروی به افغانستان و ظهور جهادگرایان اسلام‌گرا را یک موج می‌داند، رویدادی که همچنان بخش گسترده‌ای از جهان را به خود مشغول داشته است.

حمله نظامی شوروی به خاک افغانستان و حمایت دولت‌های غربی و آمریکا از نیروهای طالبان و القاعده بخشی از تناقض‌های موجود در بطن جهانی‌شدن و تعاریف آشفته و سیال تروریسم است. ریگان در ۱۹۸۵ در دیدار با مجاهدان افغان و اعضای القاعده که در آن زمان در حال مبارزه با نیروهای اشغال‌گر

شوروی بودند، آنان را «مبارزان راه آزادی» همچون بنیانگذاران آمریکا خوانده بود؛ در حالی که دولتمردان آمریکا پس از وقوع حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ همین گروه را رسماً در لیست گروه‌های تروریستی قرار دادند (سلیمانی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹). قسمتی از تغییرات و تحولات شکل‌گرفته در تروریسم مدرن به میزان وابستگی آنان به دولت‌ها بازمی‌گردد؛ دولت‌هایی که در طول یک دوره زمانی خاص گروهی را برای اهداف خاصی شکل می‌دهند و در دوره‌ای دیگر همان اقدامات را محکوم می‌کنند. تروریست مدرن به دلیل همین نزدیکی به ساختار نظم دولتی، بخشی از همان ارتباطات و روابط مدرن را به عاریه می‌گیرد و در داخل سازمان تروریستی بنا می‌گذارد؛ بخشی از نظم و سازمان نظامی، تبلیغاتی و رسانه‌ای القاعده و مدار آموزش‌های رسمی از دولت‌های پاکستان و آمریکا است.

تروریسم مدرن از منظری با حملات انتحاری سنجش می‌شود. بر اساس گزارش وزارت امور خارجه ایالات متحده در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱، حملات انتحاری بیش از همه ترورها مرگبار بوده و موجب هفتاد درصد تلفات در کشورهای ناامن می‌شود. اغلب حملات در کشورهای افغانستان، سوریه، عراق و لیبی صورت گرفته است.

والتر لاکوئر معتقد است تروریسم مدرن در قالب‌هایی همچون قدرت‌طلبی، منفعت‌جویی یا ملت‌گرایی نمی‌گنجد؛ قالب‌های پسامدرن همچون مذهب، هویت و جهانی‌شدن برای توضیح آن لازم است (پورسعيد، ۱۳۸۸، ص ۱۵۴)؛ چرا که دنیا و زندگی ما به دست جریان‌های متضاد جهانی‌شدن و هویت شکل می‌گیرد (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۷).

ترور مدرن در مقام نوعی عقیده - کنش سیاسی و نه به مثابه شکلی از بروز خشم آنی که مثلاً شخصی به دلیل عصبانیت از بلندی صدای تلویزیون همسایه خانه او را منفجر کند - پدیده‌ای به‌غایت متأخر و نوبنیاد است (ایگلتون، ۱۳۹۰، ص ۹).

جنبش زاپاتیستا، میلشای آمریکا و آئوم شیزیکو در ژاپن، فعالیت‌هایشان همزمان علیه مدرنیته و جهانی‌شدن و استفاده از رسانه‌های جدید ارتباطی است

(کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۰۱) از نگاه میلشیاها مقاومت در برابر نظم تازه و غیرخدایی جهان که مشخصه آخر زمان است، یک وظیفه مسیحی و در عین حال حق شهروند آمریکایی دانسته می‌شود؛ حقی که می‌توان آن را با ابزاری چون ترور به دست آورد (همان، ص ۱۱۷). میلشیاها در اصل نهضتی سیاسی و فرهنگی و مدافعان سنت‌های کشور در برابر ارزش‌های جهانی و حامیان حق انتخاب جماعت‌های محلی در برابر تحمیل نظم جهانی هستند. آخرین آمارهای به‌دست‌آمده از این جنبش «هویت‌طلب»، حکایت دارد که استفاده از ابزارهای نو اطلاع‌رسانی بخشی از سیاست‌های تبلیغی آنان است.

هدف گروه آئوم شیزیکو نجات‌دادن ژاپن و جهان از جنگ ویرانگری که نتیجه اجتناب‌ناپذیر رقابت شرکت‌های ژاپنی و امپریالیسم امریکا برای ایجاد نظم نو جهانی و دولت واحد جهانی است، اصلی‌ترین و مهم‌ترین هدفشان است (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱). گروه تروریستی آئوم به دلیل به‌کارگیری روش‌های نو تبلیغاتی، استقلال مالی در برابر دولت، گستره فعالیت در اینترنت و شبکه‌های مجازی، در خدمت گرفتن دانش‌آموخته‌های رشته‌های مهندسی و استفاده از ابزار تصویر جهت افناع دیگران در دسته تروریست‌های مدرن قرار می‌گیرد. حمله تروریستی این گروه با گازسارین به مسافران مترو ژاپن سبب شهرت آنان شد. گروه تروریستی «دولت اسلامی افغانستان» به رهبری حکمتیار که از توان نظامی و تبلیغاتی عظیمی برخوردار است و تصاویر و فیلم‌های تحرکات تروریستی گروه را روی سایت رسمی و صفحات اینترنتی منتشر می‌سازد، در دسته تروریست‌های مدرن قرار می‌گیرند.

هشت راه متفاوتی که تروریست‌های مدرن همزمان از آن استفاده می‌کنند: استفاده از اینترنت، جنگ روانی، تبلیغات، افزایش سرمایه، استخدام نیرو، مخفی کردن اطلاعات و هماهنگی فعالیت‌هاست (دیمن، ۱۳۸۱، ص ۶). هر کدام از مؤلفه‌های فوق را می‌توان در گروه تروریستی میلشیاها و آئوم شیزیکو مشاهده کرد. با آنکه اکثر این فعالیت‌های تروریستی در برابر امواج مدرنیته و جهانی‌شدن واکنشی و تدافعی‌اند، پیروان این گروه‌ها تلاش می‌نمایند به موازات انجام این امور

به کارهای تروریستی نیز اقدام نمایند. بیشترین ابزار فعالیت‌های رسانه‌ای تروریست‌ها ابزارهای مدرن رسانه‌ای می‌باشد (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸). بر اساس گزارش سالیانه در سال ۲۰۱۰-۲۰۱۴، حدود نیمی از سی سازمان تعیین‌شده تحت عنوان سازمان‌های تروریستی خارجی که دولت آمریکا معرفی کرده بود، دارای وبسایت اینترنتی و گروه‌های اجتماعی مجازی بودند (دبمن، ۱۳۸۱، ص ۷). تروریست‌های جدید از ثمره‌های جهانی شدن و فن‌آوری نو برای برنامه‌ریزی، هماهنگی و اجرای اقدامات مرگبار خود بهره می‌برند. تا سال ۲۰۰۷ بیش از ۵۰۰۰ سایت، محفل و اتاق گفتگوی اینترنتی تروریستی وجود داشته است (مقدم، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰). رشد فعالیت گروه‌های تروریستی در جهان، خصوصاً در خاورمیانه باعث شده شمارگان این گروه‌های اینترنتی بیش از هر زمانی باشد.

بسته امنیتی ضد تروریستی که پس از حادثه یازدهم سپتامبر در آلمان به تصویب رسید، بر اساس همین نگاه به فعالیت‌های تروریستی بنا نهاده شده بود، برای نمونه کنترل پست الکترونیک و سایر ابزار ارتباطات و حتی حساب‌های بانکی شخصی شهروندان (هاشمی، ۱۳۹۰، ص ۱۷).

تروریست‌ها در دنیای مدرن به‌عمد و آگاهانه اهدافی را برگزیده‌اند که دست‌نیافتنی‌اند و مکان‌هایی را انتخاب کرده‌اند که درگیری در آنجا انتظار نمی‌رود. این نوآوری‌ها به‌ویژه در عصر مدرن ارتباطات آنی و جهانی به‌سرعت اشاعه‌یافته است (رایش، ۱۳۸۱، ص ۲۴). تروریسم جدید چون هویت‌محور است و نه منفعت‌محور از امکانات و قابلیت‌های جهانی شدن سود می‌برد، این امکان را دارد که ساحتی تک‌پایه داشته باشد و درواقع غیر سرزمینی باشد (پورسعید، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲). تروریست‌های مدرن رهبر معنوی و ریش‌سفید جمع خودشان را دارند؛ جماعت اسلامی اندونزی نمایی بارز از چنین ساختاری است؛ گروهی که تمام فعالیت‌هایش را بر اساس خواست رهبر در زندان پی می‌گیرد. تروریست‌های مدرن در هر زمان و مکان، شهر و کشوری اقدام به ترور می‌کنند. حادثه یازده سپتامبر یکی دیگر از تحرکات گروه تروریستی القاعده است که جهان را با شوکی عظیم روبه‌رو ساخت.

با موج افزایش جهانی شدن و گسترش رسانه‌های جمعی و شبکه اینترنت، این گروه‌ها بی‌مکان‌تر از قبل شده‌اند و نمی‌توان نقطه‌ای مشخص را به عنوان پایگاه گروه‌های تروریستی انتخاب نمود.

با آنکه بن‌لادن به تکنولوژی بی‌اعتماد بود، تمام نیروهای القاعده و خصوصاً بخش رسانه‌های آن به اینترنت و دستگاه‌های ارتباطی مدرن از قبیل موبایل‌های ماهواره‌ای، سایت‌های خبری و دستگاه‌های مدرن تدوین فیلم و صدا مجهز بودند (البحری، ۱۳۹۰، ص ۸۷). در مقام مقایسه مسئول روابط عمومی نیروهای القاعده در سوریه اعتقاد دارد که نوع خبررسانی شبکه‌های اجتماعی برای کارهای ما مهم است؛ چراکه امکانات موجود در شبکه تویتر بسیار کار خبررسانی و توزیع اخبار را سریع‌تر و ساده‌تر از شبکه‌ای چون فیس‌بوک انجام می‌دهد (گلوبال نیوز، ۲۰۱۳، ص ۵).

تروریسم کنونی مقوله‌ای مدرن است، حتی اگر شباهت‌هایی بین آن و آسیسینت یا حشاشین یعنی پیروان حسن صباح باشد که برای عمل تروریستی حشیش می‌کشیدند تا در حالت خلسه دست به عمل زنند. اما این بدین معنا نیست که تروریسم مقوله‌ای است که از بیرون بر مدرنیته اعمال شده یا در عرض آن است، بلکه عمده این است که از درون الزامات و لوازمات جامعه مدرن بر می‌آید (افتخاری‌راد، ۱۳۹۰، ص ۱۲۷). برجسته‌ترین نشانه تروریست‌های مدرن واکنش در برابر اندیشه مدرنیته و مقابله با آن و جهانی‌شدن است که به صورت ترور و تروریسم انجام می‌گیرد.

مؤلفه‌های اصلی تروریسم مدرن عبارت است از: الف) نامشخص بودن اهداف تروریستی؛ ب) شمار افراد مقتول غیرنظامی در حملات آنان بیشتر است؛ پ) استفاده از رسانه‌های مدرن جهت رساندن پیام و جذب نیروهای جدید در سازمان تروریستی؛ ت) داشتن منابع مالی گسترده؛ ث) ساختار سازمانی این گروه‌ها چندملیتی و گاه چندزبانی می‌باشد؛ ج) تروریسم مدرن واکنشی به مدرنیته و جهانی‌شدن است.



۳-۳. تروریسم پسامدرن

گروه‌های تروریستی فعلی در خاورمیانه و شمال آفریقا مانند القاعده، بوکوحرام و داعش، بیش از دیگر گروه‌های تروریستی در دنیای امروز همزمان از ابزارهای نو در جهان سود می‌جویند و تلاش دارند از طریق همین وسایل مدرن قدرت را در سرزمین‌هایی که در آنجا مشغول جنگ و ستیز می‌باشند، به دست آورند و منطق خاص حکمرانی خودشان را برقرار نمایند. با نگاهی کلی می‌توان تمام این گروه‌ها را تروریست خواند؛ ولی تفاوت‌های تروریست‌های مدرن و پسامدرن در میزان توانایی نظامی، اشغال سرزمین و خاک کشور مستقل و استقلال مالی‌شان است.

یکی از علل گسترش فعالیت‌های تروریستی بنیادگرایانه در پایان قرن بیستم تغییرات منفی ناشی از جهانی‌شدن است (M.lutz, 2008, p.6). فعالیت بنیادگراها همیشه به صورت واکنشی و با رجوع به گذشته صورت می‌گیرد. هویت اسلامی به دست بنیادگراها و در مقابله با سرمایه‌داری، سوسیالیسم و ملی‌گرایی، خواه ملی‌گرایی عربی خواه غیرعربی، بازساخته می‌شود؛ چراکه از نظر بنیادگرایان همه آنها ایدئولوژی شکست‌خورده نظم مابعد استعماری‌اند (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۳۴). فعالیت گروه‌های تروریستی در لیبی، سوریه و عراق نشان از آن دارد این گروه‌ها تغییرات معناداری را در داخل خود آغاز کرده‌اند؛ چراکه در سال ۲۰۱۴ در چهارده کشور اتحادیه اروپا تحرکات تروریستی جدیدی رخ داده که با تحرکات قبلی آنان تفاوت داشته است (EUROPOL, 2014, p.15-25).

دریدا «بازده سپتامبر» را بخشی از نمایش قدیمی خشونت می‌داند. این رویداد معلول بافاصله جنگ سرد است؛ پیش از پایان جنگ سرد، زمانی که ایالات متحده، نه‌تنها در افغانستان، برای دشمنان اتحاد شوروی که اکنون دشمن آمریکا شده‌اند، سلاح تأمین می‌کرد و آموزش نظامی می‌داد (دریدا، ۱۳۹۰، ص ۷۰)؛ بنابراین این نیرو قلب یا به بیان دقیق‌تر سرِ نمادین نظم جهانی حاکم را هدف قرار داده است (همان، ص ۷۱).

وجه اشتراک گروه‌های تروریستی مدرن و پسامدرن به‌کارگیری دستگاه‌های نو رسانه‌ای است. گروه‌های تروریستی، ابزارهایی چون شبکه اینترنت، شبکه‌های

مجازی، پادکست و وسایل جدید تدوین فیلم و صدا را جهت ضربه‌زدن به نظم برآمده از اندیشه مدرنیته و دنیای جهانی به‌کار می‌گیرند.

اگر قبل از فراگیرشدن رسانه‌های ارتباط جمعی و پیوند تروریست‌ها با ابزارهای نو ارتباطی همچون اینترنت، با گروه‌های تروریستی کم‌سواد یا کم‌دانش روبه‌رو می‌شدیم جای تعجب نداشت. کاستلز در تحقیق خود درباره این گروه‌ها می‌نویسد: نتیجه تحقیق پیمایشی در تونس نشان داد که ۴۸ درصد پدران نیروهای مبارزه‌جو ضد نظام حاکم بی‌سواد و در دهه ۱۹۷۰ از مناطق فقرزده روستایی به شهر مهاجرت کرده بودند (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۳۵). پژوهشگری می‌نویسد: تروریسم بین‌المللی در یک رابطه متقابل با فقر قرار دارد؛ کشورهای با درصد بالای جمعیت فقیر بیشتر در معرض رشد گروه‌های تروریستی هستند (مقدم، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵). حال آنکه بخش عظیمی از نیروهای تروریستی موجود در خاورمیانه را تحصیل‌کردگان و دانش‌آموخته‌های رشته‌های مهندسی تشکیل می‌دهند. شاید بتوان فقر را یکی از عوامل پیوستن به گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، شمال آفریقا و کشورهای آسیای میانه به حساب آورد؛ ولی تمام رویدادهای تروریستی در دنیای امروز را حمل بر یک عامل اقتصادی نمودن پاسخگوی گسترده‌ترشدن تحرکات تروریستی نیست و تنها بخشی از علل تروریسم بین‌الملل و پسامدرن را توضیح می‌دهد.

سیجمن در دو تحقیق جداگانه در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۷ بر چهارصد نیروی بازداشتی القاعده به نتایج جالب توجه‌ای رسیده است؛ نتایجی که بی‌سوادبودن، فقر، پرورش‌یافتن در خانواده‌های فروپاشیده، ناآگاهی از وضعیت اجتماعی یا حاشیه‌نشین‌بودن اعضای گروه‌های تروریستی را رد می‌کند. وی عنوان می‌دارد:

حقیقت این است که اکثر این تروریست‌ها از کشورهای عرب هستند. آنها از کشورهای فقیر همچون افغانستان نمی‌آیند، اکثر این تروریست‌ها از خانواده‌های طبقه متوسط می‌آیند و نه خانواده‌های بحران‌زده. گرایش اکثر خانواده‌های آنان به مذهب متوسط و با گرایش‌های عادی شناخته می‌شود. متوسط سن اعضای القاعده ۲۶



سال است. القاعده شامل تحصیل‌کردگان رشته‌های مهندسی معماری، ساختمان، کامپیوتر و حتی بازرگانی است. رهبران این گروه بن‌لادن و ایمن ظواهری و محمد عطایند که اولی تحصیلات مهندسی راه و ساختمان داشت، دومی پزشک است و آخری تحصیلات معماری داشت. در میان اعضای بازداشت‌شده عضو القاعده، کسانی که شستشوی مغزی شده باشند نیز یافت نمی‌شوند. شخصیت این افراد بسیار عادی است و نشانه‌هایی از آدم‌کشی و قتل در پرونده آنان نیست. درحقیقت تحصیلات و سلامت روانی آنان نشان می‌دهد این اشخاص از نظر روانی سالم هستند (Sagman, 2004, p.4).

رهبر گروه داعش نیز در یکی از رشته‌های مهندسی تحصیل کرده است. تروریسم پسامدرن درواقع جنگ علیه چیزی است که آن را انحطاط اخلاقی و ضدیت با دین تعریف می‌کند.

با توجه به تحصیلات اعضای گروه‌های تروریستی در خاورمیانه، ریشه‌های این تعصب و حرکات تروریستی را باید در باورهای دینی آنان جست، هدف آنان ساختن جهانی ایده‌آل و آرمانی است (Sagman, 2004, p.31)؛ جهانی که پیامدهای مدرنیته و جهانی‌شدن را به همراه نداشته باشد و رجعتی باشد به سوی ارزش‌های دینی، اخلاقی و مؤمنانه زیستن در دنیایی که خدامحوری به جای انسان‌محوری نشسته باشد؛ با چنین نگاهی است که مسئله دست‌یافتن به سرزمین و برپایی دولت اسلامی، برخورداربودن از رهبری دینی و اجرای شریعت مهم جلوه می‌نماید.

باتوجه به این نکته که سیزده درصد از این نیروهای بازداشتی القاعده تحصیلات مذهبی دارند و گمان می‌کنند فقط خودشان متون مقدس را فهم می‌کنند، باید برای شناخت آنان به درک برداشت‌ها و فهمشان از متون مقدس رسید. آنان با داشتن کمترین دانش مذهبی و نداشتن پس‌زمینه‌های افکار مذهبی، به دنبال دست‌یافتن پاسخ‌های سریع برای حل مشکلات کشورهای عربی و در حال توسعه‌اند (Ibid, p.32).

مارک سیجمن به این نتیجه می‌رسد که مهندس‌ها تروریست می‌شوند، تصور می‌کنند می‌توانند بدون هیچ کمکی قرآن را بخوانند. وقتی در ۲۵ سالگی به مذهب روی می‌آورند، به دلیل نداشتن دانش مذهبی، به دام قرائت‌های غیرمعمول قرآن می‌افتند و برای فهمیدن هر چیزی، بلافاصله به دنبال تروریسم، نقشه و یافتن اصول می‌روند (هوشنگی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵). تحقیق وی نشان می‌دهد که حدود ۸۴ درصد آنها در غرب به سمت افراطی‌گری سوق پیدا کرده‌اند و نه در کشورهای پیشین خود (Sagman, 2004, p.34).

هانتز ترجیح می‌دهد از مفهوم «شبه‌نظامیان سیاسی» به جای گروه‌های تروریستی استفاده کند؛ چراکه مفهوم تروریسم را برای این پدیده نوچندان دقیق نمی‌داند (هانتز، ۱۲۹۳، ص ۳). به‌کارگیری تجهیزات نظامی گسترده، استفاده از سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، اشغال نظامی و به‌دست‌گرفتن بخشی از سرزمین کشورهای عضو سازمان ملل و جنگ‌کردن با نیروهای نظامی رسمی در قسمت‌های بزرگی از همین کشورها سبب می‌شود این گروه‌ها را نتوان در دسته‌بندی‌های رایج مفهوم تروریسم قرار داد (همان، ص ۵). تفاوت اصلی گروه‌های تروریستی مدرن و پسامدرن در نحوه اهداف درازمدت آنان نهفته است؛ اهدافی همچون برپایی دولت اسلامی، تشکیل سازمان‌های دولتی که کارهای روزمره سرزمین‌های اشغالی را سامان دهد. استفاده از نمادها و نشانه‌هایی که بازگشت به اسلام اولیه را نمایان سازد و بهره‌برداری از فروش نفت و دست‌یافتن به استقلال کامل مالی بخشی از این تفاوت‌ها به شمار می‌رود؛ نمونه‌هایی از این رویدادها را می‌توان در بخش‌های اشغالی کشور سوریه و عراق مشاهده کرد.

عمده تحولات به‌وجودآمده در تروریسم پسامدرن را می‌توان چنین برشمرد: گسترش تکنولوژی، انفجار جمعیت در کشورهای در حال توسعه و خصوصاً خاورمیانه، گسترش شکاف میان کشورهای صنعتی و توسعه‌نیافته، بحران‌های زیست‌محیطی، فروپاشی نظام دو قطبی، نامتقارن شدن صحنه نبرد. مهم‌تر آنکه در تروریسم پسامدرن با پدیده تصرف یا در دست‌گرفتن بخشی از سرزمین یک کشور روبه‌رو هستیم که در نمونه‌های دیگر تروریسم دیده نمی‌شود.



پارامترهای اصلی تروریسم پسامدرن چنین است: الف) انجام عملیات انتحاری؛ ب) انتخاب اهداف نامشخص و نامعلوم؛ پ) استفاده از تکنولوژی جدید رسانه‌ای مانند اینترنت و شبکه‌های مجازی؛ ت) داشتن توان نظامی بالا و جنگ با ارتش‌های رسمی و منظم کشورهای مورد هدف، ث) اشغال بخشی از سرزمین کشورهای عضو سازمان ملل، مانند کشورهای نیجریه، سوریه، فیلیپین و عراق؛ ج) توانایی بالای مالی و کسب ثروت از طریق گروگان‌گیری، قاچاق کالا، ارز و فروش اسیران غیرنظامی به کشورهای دیگر؛ چ) برپایی نهادها و سازمان‌هایی که شاخص‌ها و شعائر دینی را به ذهن‌ها متبادر سازد.

نتیجه

مدرنیته نظم قدیم را به چالش می‌کشد، درصدد پی‌ریزی بنایی جدید برمی‌آید و انسان وابسته به باورهای مقدس را در میانه امواج سهمگین تغییر و تحولات پی در پی رها می‌کند تا با کوشش خویش از این مهلکه جان سالم به در برد، باور آدمیان صاحب عالم را با توان انسان عوض می‌سازد و سبب بروز پدیدآمدن بحران‌ها و پیامدهایی می‌شود که زندگی و حیات انسان‌ها و نهادهای مدرن را در بر می‌گیرد.

حس رهاگشتگی در دنیای مدرن و دوری‌جستن از آن و به سوی هویت‌های نادیده‌گرفته‌شده متمایل شدن و درصدد یافتن پاسخ زود هنگام و سریع مقدمه‌ای است برای گرایش یافتن به سوی ترور و تروریسم. تناقض مدرنیته از گرداب فروپاشی و تجدید حیات مستمر آغاز می‌شود. برای انسان غربی که تدریجاً مدرنیته و پیامدهای آن را لمس نموده و انسان شرقی که چنین تحولاتی را در دوره‌ای کوتاه و با سرعت شتابان تجربه کرده و احساس سرگردانی پیوسته را به همراه دارد، معنای کشش و رفتن به سوی هویت‌هایی را که سرکوب شده‌اند و یا به حاشیه رانده شده‌اند، زنده خواهد کرد.

جهانی‌شدن زاییده و پرورش‌یافته فکر و اندیشه مدرنیته است. جهانی‌شدن نیز دشواره‌هایی به همراه دارد: هویت‌هایی در معرض زوال؛ نظامی‌گری گسترده؛ جنبش‌های معترض؛ جهانی‌شدن سازمانی جنایت و آنارشی جهانی. بخش

عظیمی از تلاش‌های سازمان‌یافته گروه‌های تروریستی در خاورمیانه انعکاس قسمتی از این پیامدهای جهانی شدن است؛ پیامدهایی که در سرزمین‌های غربی گاه با حمله به فروشگاه‌ها، کافه‌ها و شرکت‌های خدماتی نمایان می‌گردد و در کشورهای خاورمیانه به دلیل وجود نابسامانی‌های دیگر باعث قدرت‌گیری گروه‌های شبهه‌نظامی - تروریست همانند داعش می‌شود؛ گروه‌هایی که از توان نظامی نسبتاً برابر با دولت‌ها برخوردارند و از تمام دستاوردهای دوران مدرن بهره می‌گیرند. با وقوع چنین رویدادهایی در سطح جهان و کشورهای در حال توسعه یا بازمانده از توسعه می‌توان از مدرنیته علیه مدرنیته نام برد.

کتابنامه

- آرت شولت، یان (۱۳۸۲)، «جهانی‌شدن و امنیت (ناامنی)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ترجمه خلیل‌الله سردارآبادی، تهران: ش ۴.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹)، «گفتمان اسلام سلفی و جهانی‌شدن امنیت خاورمیانه»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، تهران: ش.
- اچ-گارو، فردریک (۱۳۹۰)، *علیه تروریسم*، ترجمه علی عبدالحمیدی، تهران: روایت فتح.
- احسانی، ببرک (۲۰۱۳م)، «کی به طالبان پول می‌دهد؟»، *سایت خبری بی‌بی‌سی*، لندن.
- احمد، اکبر (۱۳۸۴)، *اسلام، جهانی‌شدن و پست مدرنیته*، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، *ناامنی جهانی: بررسی چهره دوم جهانی‌شدن، اندروهورل و دیگران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امامی، حسام‌الدین (۱۳۷۸)، *افغانستان و ظهور طالبان*، تهران: انتشارات شاب.
- ایچ.لنسا، مایکل (۱۳۸۲)، *فلسوفان سیاسی قرن بیستم*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نشر ماهی.
- این‌مون، چونگ (۱۳۸۸)، *امنیت ملی در جهان سوم*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- البحر، ناصر (۱۳۹۰)، *سایه به سایه با بن‌لادن*، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: نشر جامی.
- برمن، مارشال (۱۳۸۱)، *تجربه مدرنیته*، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: نشر طرح نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۶)، «تبارشناسی انسان مدرن، درآمدی بر فوکو»، *ماهنامه کیان*، تهران: ش ۳۵.
- بهنام، جمشید (۱۳۸۲)، *تمدن و تجدد*، تهران: نشر مرکز.
- بیلینس، جان (۱۳۸۳)، *جهانی‌شدن سیاست، روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: نشر ابرار معاصر.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸)، «تحول تروریسم در روابط بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، تهران: ش ۴.
- افتخاری‌راد، امیرهوشنگ و نادر فتوره‌چی (ترجمه و گردآوری) (۱۳۹۰)، *ترور و تفکر*، تهران: نشر چشمه.
- جهانگللو، رامین (۱۳۸۴)، *ایران در جستجوی مدرنیته*، بیست گفتگو با صاحب‌نظران ایرانی، تهران: نشر مرکز.

- جی‌بدن، توماس (۱۳۷۸)، «تعریف تروریسم بین‌الملل: نگرش علمی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ترجمه سیدرضا میرطاهر، تهران: ش ۵ و ۶.
- دریفوس، رابرت (۱۳۸۴)، *پروژه امپراتوری آمریکا: بازی شیطان*، ترجمه فریدون گیلانی، ج ۱، آلمان: نشر فروغ.
- دهقانی، محمود (۱۳۸۶)، «ابعاد پدیده جهانی شدن»، *اقتصادی سیاسی بین‌الملل در عصر جهانی شدن*، تهران: ش ۷.
- راپلی، جان (۱۳۸۸)، *جهانی شدن و نابرابری، سیر نزولی نئولیبرالیسم*، ترجمه مؤسسه موج، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- رایش، والتر (۱۳۸۱)، *ریشه‌های تروریسم*، ترجمه حسین محمدی نجم، تهران: دوره عالی جنگ.
- زارعی، بهادر (۱۳۸۳)، *جهانی شدن، فرصت‌ها و چالش‌های فراوری نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- زین، هوارد (۲۰۰۵م)، «تروریسم و جنگ»، *نشر اینترنتی پارس‌بوک*، ترجمه: سعید ساری اصلانی.
- سلیمانی، رضا (۱۳۸۵)، «آشفته‌گی معنایی تروریسم»، *مجله علوم سیاسی*، تهران: ش ۳۶.
- شوسودوفسکی، میشل (۱۳۸۹)، *جنگ آمریکا با تروریسم*، ترجمه جمشید نوایی، تهران: انتشارات نگاه.
- طبیب، علیرضا (۱۳۸۰)، «تروریسم در فراز و فرود تاریخ»، *نشریه راهبرد*، تهران: ش ۲۱.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴)، *در هزار توی نظم جهانی*، تهران: نشر نی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر طرح نو.
- گوهری‌مقدم، ابودر (۱۳۹۰)، «جهانی شدن و تروریسم جدید: آرایه مدلی مفهومی»، *مجله دانش سیاسی*، تهران: ش ۷، ص ۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴)، *پیامدهای مدرنیت*، تهران: نشر مرکز.
- محمدی، سید احمد (۱۳۹۰)، *رویکردی حقوقی به تروریسم*، تهران: نشر فرهنگ‌شناسی.
- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۸۷)، «نقش نیروهای خارجی در تولید و قاچاق مواد مخدر»، *سایت خبری رادیو دری*، تهران.
- واعظی، حسن (۱۳۹۰)، *تروریسم*، تهران: نشر سروش.
- والتر، لاکوئر (۱۳۹۲)، *تروریسم پست مدرن*، ترجمه مجید مختاری، اصفهان: نشریه امور فرهنگی دانشگاه صنعتی اصفهان.
- هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۰)، *تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌الملل*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.



- هانتر، شیرین (۱۳۹۳)، «داعش یک گروه تروریستی نیست»، سایت خبری فرارو.
- هوشنگی، حسین (۱۳۸۹)، «نقش مدرنیته در توسعه بینادگرایی در جهان اسلام»، مجله دانش سیاسی، ش ۱.
- یزدانی، عنایت‌الله و محمد خدابنده (۱۳۸۶)، «علل تحول تروریسم در عصر پست مدرن»، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۴.
- *Country report on terrorism* (2011), united states department of state publication.
- *Country report on terrorism* (2012), department of homeland security science, print: university of Maryland.
- EUROPOL, TE-SAT (2013), *Eu TERRORISM situation and trend Report*.
- EUROPOL, TE-SAT (2014), *Eu TERRORISM situation and trend Report*.
- <http://www.iaocsc.ir/Note/?nId=201>
- <http://www.terrorismanalysts.com/pt/index.php/pot/issue/view/35>
- Jalata, Asef (2008), *Faces of terrorism the age of Globalization*, press, the universitu of Tennessee.
- M.Lutz, jams (2008), *Globalization and terrorism in the middle East*, Department of Political science Indiana university.
- Nesser, petter and anne stennrsen (2014), “The modus operandi of jihadi Terrorists in Europe”, *magazine perspectives on terrorism*, vol 8, no 4.
- Sagman, Mark, and, Magourik Justin (2007), *connecting terrosist network*, university of Michigan.
- Sagman,mark (2004), *Understanding Terror Networks*, university of pennslvania press.
- yon.ir/ED13
- yon.ir/z3TF



الحدث، العولمة، وشمولية الإرهاب بعد الحدث

السيد محسن آل غفور^١

رضا صادقيان^٢

الخلاصة:

من الطبيعي بمكان الحديث وفهم ظاهرة الإرهاب بسهولة في عصر العولمة وربط العلاقة الحاصلة بينهما وذلك نظراً للتحويلات والتغيرات التي تجرى في المناخ والنتائج الفكرى الحدائى ولعل مسألة الحدث ليس وحدها هي العامل الذى تقع عليها مسؤولية بروز المجاميع الإرهابية بل هي واحدة من العوامل الأصلية في ظهوره وتفشييه من بعد الحدث ومن هنا يمكن تقسيم الإرهاب الى ثلاثة أقسام وهي الإرهاب التقليدى والإرهاب الحدائى والإرهاب ما بعد الحدث والحق يمكن القول بأن هناك بون واختلاف واسع بين تلك الأقسام الثلاثة.

ولاشك فإن الإرهاب الحدائى وما بعد الحدث حاصل نتيجة التغيرات والتحويلات التي تزامنت مع الأحداث والموجة والصراعات التي ولدتها الحدث ومن ثم مجئ عملية العولمة وسيطرتها على مقاليد العالم ويمكن من خلال التحركات والأحداث التي تنطوي على فعالية هذين الإتجاهين وما اسفر عنهما من آثار سلبية مشاهدة العلامات والمرتكرات وردود الأفعال العدائية الجديدة على نفس العولمة، في الوقت الذي نرى فيه إن الإرهاب التقليدى يعمل بطريقة أخرى مغايرة حيث كانت ولا تزال الأهداف التي يتبناها محدودة في حين إن الإرهاب الحديث وما بعد الحدث يجعل أهدافه فوق استهداف الشخصيات المعروفة وأغتيال مسؤولى الدولة وضرب مصالح الدول حاله حال الرؤية الحدائوية التي لاتقبل أى حدّ وإطار معين لها، وتسعى المقالة هذه الى الوصول الى حقيقة مفادها إن ظاهرة الإرهاب الحديث وما بعد الحدث هو عصارة وردت فعل طبيعية لأفرازات ماجاءت به تلك الحدث من نتائج على الساحة الدولية وكذلك نتيجة حصول العولمة وهيمنتها وبعبارة أخرى فإن الإرهاب الحديث وما بعد الحدث هو محصول مرحلة الحدث وواحد من العوامل الأساسية والرئيسية الناجمة عن الأزمات التي أوجدتها تلك الحدث وكذلك إمتدادات العولمة في مختلف اصقاع العالم.

المصطلحات المحورية: الحدث، العولمة، الإرهاب، الإرهاب الحدائى، الإرهاب بعد الحدث.

١. عضو في الهيئة العلمية في جامعة الشهيد جمران.

٢. طالب في مرحلة الدكتوراه في الجامعة الحرة في قسم القضايا والشؤون الإيرانية - مدينة شهر رضا.

Modernity, Globalization and Prevalence of Postmodern Terrorism

Seyyed Mohsen Al-e Ghafour¹

Reza Sadeqiyani²

Abstract

In order to understand the terrorism in the age of globalization and the relationship between the two, one needs to consider the changes in the thought framework of modernity. Modernity is not the only element for the appearance of terrorist groups; rather it is one of the major elements for the manifestation of postmodern terrorism. In a general classification, three kinds of terrorism can be perceived: traditional, modern and postmodern terrorisms. The approach of the traditional terrorism varies from the approaches of the modern and postmodern terrorisms.

The modern and postmodern terrorisms are the result of changes following the growing trend of modernity and hence the globalization. In all of the activities of these two types, one can notice signs of enmity with globalization; however, the traditional terrorists acted differently. The goals of the traditional terrorists have been limited. However, the modern and postmodern terrorists aim at goals which go beyond outstanding governmental characters. This resembles the modernity thought which does not accept anything which brings about limitation. This article intends to show that the modern and postmodern terrorisms are a reaction to the consequences of modernity and globalization. In other words, the modern and postmodern terrorisms are the products of the modern period and are one of the major crises of modernity and globalization.

Keywords: modernity, globalization, terrorism, modern terrorism, postmodern terrorism

1. Assistant professor, Shahid Chamran University.

2. Ph.D. candidate, majoring in the Issues of Iran, Islamic Azad University, Shahreza Branch.